

تقابل سیاسی روسیه و انگلیس در ایران از مشروطیت تا پایان جنگ اول جهانی (۱۲۸۵-۱۲۹۶ ه.ش)

دکتر حسن زندیه

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

zandiyehh@ut.ac.ir

حسین احمدی رهبریان

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hossein_rahbarian@yahoo.com

سید علی طباطبایی

کارشناس ارشد تاریخ جهان، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

کشور ایران به لحاظ موقعیت استراتژیک از قرن نوزدهم، مورد توجه دولت انگلیس و روس قرار گرفت و با انعقاد قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸) و در پی آن افزایش سلطه سیاسی و اقتصادی روسیه، رقابت انگلیس با روسیه نیز در ایران شدت پیدا کرد و عملکرد انفعالی زمامداران ایران در قبال سیاست های آنان، شعله های انقلاب را در ایران روشن کرد. دولت انگلیس از این موقعیت استفاده کرده و مشروطه طلبان را مورد حمایت قرار داد تا نفوذ روسها را در ایران کاهش دهد. با این حال انگلیسیها با امضای قرارداد ۱۹۰۷ دست روسها را در ایران باز گذاشتند و همین مسأله منجر به انحلال مجلس اول شورای ملی شد. دولتمردان ایرانی برای مواجهه با انگلیس و روسیه سیاستهای مختلفی را تجربه کردند. طرفداری از دولت انگلیس، طرفداری از دولت روسیه و بی طرفی و یا طرفداری از دولت ثالث راه حل دولتمردان برای عبور از بحران کشور بود. با پیروزی انقلاب ۱۹۱۷، روسیه تزاری سرنگون شد و انگلیسیها تا مدت کوتاهی قدرت بلامنازع در ایران بودند اما سرانجام در مواجهه با بلشویک ها نفوذشان در ایران صدمه دید و به همین منظور تلاش کردند که دولت مقتدری در ایران تشکیل شود تا حداقل از نفوذ بلشویسم جلوگیری کنند. این پژوهش برآن است که تقابل سیاستهای روسیه و انگلیس در جریان انقلاب مشروطه و همچنین تأثیر آن در دولتهای بعد از انقلاب مشروطه را براساس اسناد آرشیوی و مطالعات کتابخانه ای، توصیف و تبیین کند.

واژگان کلیدی: روسیه، انگلیس، انقلاب مشروطه، قاجاریه، محمد علی شاه

با وجود تعهد انگلیس و روس در سال ۱۸۳۹ مبنی بر تأمین آسایش و امنیت داخلی ایران و تعهد به رعایت استقلال و مصونیت ایران و تأیید دوباره آن در سال ۱۸۷۳ و ۱۸۸۸، با اینحال تعهدات مذکور، نفوذ روسیه در ایران را متوقف نکرد. بنابراین انگلستان برای رفع این مسئله، سه استراتژی را می‌توانست دنبال کند. یک نظریه این بود که روسها را با خود در اصلاحات و تشکیلات دولتی و انتفاع از منابع ثروت و تبدیل دولت ایران به یک دولت مقتدر همراه سازد. این روش از سوی مورتیمر دوراند وزیر مختار انگلیس در سال ۱۸۹۵ مطرح شد ولی به علت اینکه ممکن بود شاه از انگلیسیها بترسد و درصدد فریب آنها باشد، به کلی رد شد. نظریه دوم آن بود که هر گونه تجاوزی از طرف روسیه در شمال ایران، بریتانیا را ملزم به اقدامات متقابل در جنوب بنماید و نظریه سوم تقسیم کشور به دو منطقه نفوذی بین انگلستان و روس بود. (اسناد محرمانه سیاسی: ۱۰، ۱۱) در واقع در این زمان یک عقیده کلی در میان سیاستمداران انگلیس به وجود آمد که ایران میان روسیه و انگلیس تقسیم شود اما برخی اعتقاد داشتند در این شرایط روسیه به دنبال تمام خاک ایران است و حاضر به تقسیم با کشوری که نفوذ سیاسی آن در ایران کاهش پیدا کرده است، نخواهد بود. در این میان وزیر مختار انگلیس اعتقاد داشت که روسیه حاضر خواهد بود چنین معامله‌ای را انجام دهد چرا که در جنوب ایران مانند شمال راههای شوسه ساخته نشده و روسها در جنوب حاضر به قبول مسئولیت‌های جدید نخواهند بود و آنها به این فکر می‌کنند که اگر بخواهند جنوب را تصرف کنند، انگلیسیها را به واکنش سختی وادار خواهند کرد. (رایس، ۱۳۷۵: ۶۶)

به هر شکل این تفکر با برکناری لرد کرزن از نیابت سلطنت هند دنبال نشد و از این به بعد سیاست انگلیس در ایران آن بود که حکومت مرکزی را علیه نفوذ و اقتدار روسها تقویت کند. انگلیسیها که از سیاست یک جانبه و نفوذ بی اندازه روسیه در دربار ایران راضی نبودند، با نشر و توزیع روزنامه‌های آزادیخواه که در خارج از کشور چاپ می‌شد، حس نفرت به درباریان طرفدار روسیه را بیشتر می‌کردند. شکست نظامی روس از ژاپن نیز انعکاس فراوانی در ایران داشت و انقلابات داخلی روسیه و ایجاد دوما‌ی روس از مؤثرترین عوامل مشروطیت در ایران بود. (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۰) در واقع وقتی روسیه در حال جنگ با ژاپن بود، ذخایر مالی و صنعتی و نظامی آنها صرف جنگ با ژاپن شد و دیگر ممکن نبود روسیه بتواند میلیون‌ها روبل در ایران خرج کند یا خود را در خطر زد و خورد با انگلیس افکند به همین علت در این مدت فرصت مناسبی به مشروطه‌طلبان داد تا در منظور خود کامیاب شوند. (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۴۳۶) اعتراض مردم به ساختن بانک استقراضی روس بروی قبرستان مسلمانان یکی از جرقه‌های نهضت مشروطه بود. (کسروی، ۱۳۸۵: ۵۶، ۵۷) همچنین پیش از این، جنگ‌های مسلمانان و آرامنه در قفقاز و تحریک روسها در سال ۱۳۲۲ (ش. و کشته شدن بسیاری از مسلمانان، نفرت مردم از آنها را شدت بخشیده بود. حتی به علت نفرت از روسها، مردم در نشست‌های خود چای روسی مصرف نمی‌کردند. (همان: ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۲) دولت انگلیس نیز از این فرصت استفاده کرد و در جریان نهضت مشروطه با گروههایی همچون بازرگانان و روحانیون که خواهان کاهش نفوذ روسیه بودند، متحد شد. خاصه آنکه انگلستان از نظام مشروطه سلطنتی برخوردار بود و به همین علت می‌توانست اعتماد مشروطه‌طلبان را جلب کند. (فوران، پیشین: ۲۷۰) البته همراهی انگلستان با انقلاب مشروطه با منافع و ایدئولوژی آنها سازگاری داشت: به این شکل که هم در عرصه دیپلماتیک بر ضد روسیه پیشروی می‌کرد، که به طور فزاینده دامنه نفوذ خود را در دربار ایران گسترش داده بود و هم از آرمان آزادی و دموکراسی جانبداری داشت که آن را وجه مشخصه نظام خود می‌دانست. در واقع روشنفکران ایرانی نیز در آن زمان، از همین دیدگاه به نقش انگلیس می‌نگریستند. (عیسوی، پیشین: ۱۰۴)

سرانجام در سال ۱۲۸۵ تظاهراتی علیه عین الدوله، صدراعظم شاه در تهران صورت گرفت. قوای دولتی به مردم شلیک کردند و عده‌ای کشته شدند. به دنبال این واقعه عده‌ای در حدود دوازده هزار نفر به سفارت انگلیس متحصن شدند. ملک

المتکلمین و جمال الدین واعظ و حیدر خان عموغلی از جمله کسانی بودند که طلاب و بازاریان را به تحصن دعوت می کردند و مدارس رشدیه و دارالفنون دانش آموزان خود را به تحصن وا می داشتند. (bayat, 1991: 156) جالب است که پیش از این عده ای از تجار در برابر این حوادث می خواستند در سفارت روسیه تحصن کنند که البته سفارت ابتدا درخواست آنها را رد کرد. (سیاح، ۱۳۵۹: ۵۵۸) اما روسها از اینکه معترضین به سفارت انگلیس پناهنده شدند، ناراضی بودند و حتی درصدد برآمدند که به صورت ساختگی چند نفر را در سفارت روس پناهنده سازند تا از این طریق خود را جزو سهم برهه‌ای نهضت قرار دهند اما در این مسأله توفیقی به دست نیاوردند. (تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۳۵)

سرانجام سفارت انگلیس با هماهنگی وزارت امور خارجه انگلیس از تحصن کنندگان حمایت کرد تا اینکه یک ماه پس از صدور فرمان مشروطه از تحصن بیرون آمدند. (حکمت، شماره ۸۷۲، ۲) بنابراین دولت انگلستان برای از بین بردن نفوذ روسیه، وارد یک نوع اتحاد محرمانه با ملت ایران شد ولی دوستی دیپلماسی انگلستان با ایرانیان دیری نپایید. انگلستان تا موقعی که به حذف نفوذ روسیه در دربار احتیاج داشت، در ایالات شمالی ایران به نهضت مشروطه طلبی کمک می کرد و در عین حال در ایالات جنوبی به حکام مستبد این نواحی برای سرکوبی آزادیخواهان کمک می رساند. (پاولیچ، ایرانسکی: ۷۶) در واقع انگلیسیها از ترس آنکه مبادا در اثر به وجود آمدن فضای باز آزاد، نفوذشان مورد هدف مستقیم آزادیخواهان قرار گیرد، بالاجبار ارتجاعی عمل کردند. (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۲۲)

روسیه و انگلیس علیه مشروطه: (۱۲۸۵-۱۲۸۹)

از زمان انعقاد قرارداد گلستان و ترکمانچای، دربار ایران تحت الحمایه روسها بود، به خصوص در دوران مظفرالدین شاه تربیت ولیعهد ایران به وسیله مربیان و آموزگاران روسی تحت نظر ویژه قرار گرفت که نمونه بارز آن آموزگارانی به نام شاپشال و اسمیرنف بودند. این وضعیت دربار مورد پسند و رضایت انگلیسیها نبود و همین مسائل موجب رفتار غیر دوستانه دولت انگلیس با محمد علی شاه پس از جلوس وی بر تخت سلطنت گردید. (زینویف، ۱۲۶۲: ۳۹) محمد علی شاه تحت تأثیر معلمان روسی، اتابک امین السلطان را از اروپا به ایران فراخواند در حالی که انگلیسیها اتابک را آلت دست سیاست روس می شناختند و از او آزرده خاطر بودند به همین دلیل وقتی اتابک کشته شد، شادمان گشتند. (کسروی، ۱۳۸۵: ۲۸۱، ۴۴۹)

البته انگلیس و روسیه در اروپا همواره با هم متحد بودند اما سیاست های استعماری آنها در ایران در تقابل با یکدیگر قرار داشت و با اوجگیری قدرت آلمان در اروپا و آسیا سیاست های انگلیس و روسیه را در ایران نیز تحت الشعاع قرار داد و در نتیجه منجر به قرارداد ۱۹۰۷ شد. در واقع تا قرن نوزدهم، روسها به هیچ عنوان حاضر نبودند انگلستان یا هر دولت دیگری را در ایران سهیم سازند اما از اوایل قرن بیستم به بعد، توسعه قدرت نظامی آلمان در اروپا از یک طرف و ضعف نظامی روسها در آسیا به علت شکست از ژاپن از طرف دیگر، سرانجام ناچار شد، با نیروی رقیب کنار بیاید. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۵: ۵۳) یکی از عللی که روسها را به امضای این قرارداد ترغیب می کرد، مسأله راه آهن بود به خصوص مسئله راه آهن در ایران که با راه آهن بغداد ارتباط تام و تمام داشت. بنابراین روسها از آثار و نتایج راه آهن بغداد که قرار بود آلمان ها بسازند، بیمناک بودند. (کاظم زاده، پیشین: ۴۶۷) از سویی دیگر وحشت انگلستان از سرایت آتش انقلاب ایران به هندوستان، باعث نزدیکی روسیه و انگلستان گردید. (پاولیچ، ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۷۶) البته مواضع محافل سیاسی انگلستان در مورد قرارداد یکدست نبود: اول عقیده آن بود که فوائد بسیاری بر آن می شماردند که روزنامه تایمز مدافع آن بود. عقیده دوم مربوط به محافظه کارها بود که می گفتند انگلیس در این معاهده مغبون شده و قسمت روسها بیشتر و آبادتر

است. حزب سومی کسانی بودند که خود را حامی حقوق بشر و هواخواه آزادی قلمداد نموده و معاهده را صحیح نمی دانستند. (حبل المتین، شماره ۱۷۸: ۲ و ۱)

به هر شکل دولت ایران از شناسایی این قرارداد امتناع کرد و اظهار داشت که قرارداد مزبور صرفاً به طرفین متعاقد مربوط است و بر سرنوشت ایران به مثابه یک کشور مستقل تأثیر ندارد. (زرگر، پیشین: ۴۳) در واقع مواضع سیاست مردان ایرانی در قبال این قرارداد سه گونه بود: بعضی را عقیده بر این بود که استقلال ایران از بین رفته و تصرف اجانب به حد آخر خود رسیده است. برخی دیگر را گمان این بود که ایران به واسطه اندک موافقتی با روس، می تواند استقلال خود را حفظ نموده و به علاوه قطعاتی که از ایران جدا شده و به دست روس افتاد، مسترد سازد. برخی دیگر اظهار می دارند که اگر ایران اطمینانی به دولت انگلیس بدهد که از تجاوزات دول به سمت هندوستان مانع گردد دولت انگلیس علاوه از افغانستان از متصرفات خود در سمت خلیج فارس به ایران واگذار گردد. (تمدن، شماره ۳۱: ۲) بدین ترتیب با امضای این قرارداد، انگلیسیها به عنوان تنها نیرویی که تا قبل از معاهده، مانع از دخالت روسیه شده بودند استقلال خویش را تا اندازه ای از دست دادند. آنها نه تنها نمی توانستند با دخالت آشکار روسیه در ایران اعتراض کنند بلکه در عمل به نفع روسیه در ایران اقدام می کردند. در واقع انگلیس به این علت که در اروپا خود را نیازمند سپاه بی شمار روس می دید از سیاست آسیایی اش به نفع منافع اروپایی اش چشم پوشید. (کسروی، ۱۳۸۵: ۶۵۹-۶۶۰) بنابراین از این به بعد رقابت انگلیس و روس نیز در ایران جای خود را به نوعی همکاری داد و در مورد مسائل سلطنت محمد علی شاه و قیام مشروطه خواهان و استخدام مستشاران آمریکایی در ایران و اخراج آنها، نوعی تفاهم بین روس و انگلیس وجود داشت. انگلیسی ها در مقابل مداخلات روزافزون روسها در ایران از جمله اشغال تبریز و به دار آویختن آزادیخواهان و همچنین به توپ بستن مرقد امام رضا(ع) در مشهد سکوت اختیار کردند و در سال ۱۹۱۵ در تکمیل انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ منطقه نفوذ انگلیسیها افزایش یافت (طلوعی، ۱۳۸۴: ۹۶)

با به توپ بستن مجلس توسط محمد علی شاه، بسیاری از مشروطه خواهان به سفارت انگلیس پناهنده شدند و زمانی که محمد علی شاه مطلع شد که عده ای از مشروطه طلبان در سفارت انگلیس متحصن شده اند، از ترس آنکه مبادا تعداد آنها زیادتر شود، عده ای سرباز را مأمور کرد تا سفارت را محاصره کنند، در نتیجه انگلیسیها به این عمل دولت ایران اعتراض کردند (کسروی، ۱۳۸۴: ۶۶۷) که همین مسأله یکی از علل اختلاف بین سفارت انگلیس و روسیه شد به طوریکه سفارت روسیه اتهام هایی علیه سفارت انگلیس در حمایت از مشروطه طلبان وارد کرد که البته وزیر مختار انگلیس همه ی موارد را تکذیب کرد. (مامونف، ۱۳۶۳: ۱۷۹) انگلیس با وجود آنکه از متحصنین در تهران حمایت کرد، از حمایت ستارخان در آذربایجان امتناع ورزید. (همان: ۷۹۸) همچنین انگلیس درخواست پناهندگی مشروطه خواهان در شهرهای دیگر را نمی پذیرفت. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: جلد اول، ۳۲۲) بنا به نوشته حسن اعظام قدسی، انگلیسی ها نیز بی میل نبودند که مجلس شورای ملی به توپ بسته شود چرا که از این کار اهداف خاصی را دنبال می کردند. یکی آنکه محمد علی شاه را که زیر حمایت روس ها بود، منفورتر و افسران قراقرخانه را مغضوب ملت ایران کرده و زمینه را برای کوتاه کردن دست روسها مساعد کنند و دیگر آنکه چون پس از تشکیل مجلس نظر و توجه مردم به مجلس شورای ملی بود و انگلیسی ها بمباران آن را می خواستند تا نشان دهند که این عمارت برای پناهندگی سیاسی شایستگی ندارد و فقط سفارت انگلیس برای پناهندگی شایسته است! (اعظام قدسی، ۱۳۲۴: ۱۹۲) سید حسن تقی زاده نیز درباره حمایت انگلیس و روس از محمد علی شاه می گوید:

«انگلیس و روس در سوم ژوئن ۱۹۰۸ مردم ایران را که آماده مقاومت در برابر محمد علی شاه بودند، تهدید کردند و اظهار داشتند که اگر مردم هر گونه گامی بر ضد حکومت بردارند، به نیروی نظامی متوسل خواهند شد. چون مردم ایران نمی

خواستند اجازه دخالت نظامی به دولت های بیگانه بدهند، ناچار تسلیم دستور های روس و انگلیس شدند و در نتیجه پارلمان توسط لیاخوف ۲۳ ژوئن بمباران شد.» (حائری، ۱۳۶۰: ۱۱۴)

بعد از بمباران مجلس، سیاست انگلیس این بود که از مداخله در امور داخلی ایران دوری کند تا شورش ها تداوم یابد تا هر یک از عناصری که در مملکت قوی تر است، گوی سبقت را برآید. (کتاب آبی، ۱۳۶۲، جلد دوم: ۴۰۱) وزیر امور خارجه انگلیس در حدود سه ماه پیش از فتح تهران، سیاست انگلیس در ایران را در پارلمان انگلیس اینگونه تشریح کرد:

« بهترین کارها برای دولتین این است که مداخله در ایران نکنند ولی چون برای روس مشکل است حاضرند که در بعضی موارد با دولت روس همراهی کنند. »
وی در نطق خود نیز اشاره کرده بود که:

« تا حکومت مشروطه برقرار نشود، حال مملکت بهتر نخواهد شد و به شاه نصیحت خواهد کرد که اشخاص قابل را ناصح خود قرار دهد و اگر این را قبول نکند، هیچ نوع همراهی نخواهد کرد و خودشان به حفظ منافع خود خواهند آمد و اگر بعدها قرض لازم شود، شرایط آن با دقت ملاحظه می شود و به هیچ قرض که مجلس ملی آنرا تصدیق نکرده باشد راضی نخواهند شد.» (اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰) این نطق وزیر خارجه انگلستان در مطبوعات انگلیس با واکنش روبرو شد و مورد انتقاد قرار گرفت (اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰)

با وجود این انتقادات به وزیر امور خارجه، انگلستان به همان سیاست خود در ایران ادامه داد به طوریکه دولت انگلیس در تنشی که میان نیروهای ستارخان و روسی در آذربایجان روی می داد، و حتی بین نیروهای دولتی و روسی انجام می گرفت، دست روس را در دخالت نیروی نظامی روس باز گذاشت (کتاب آبی، ۱۳۶۹، جلد ۱، ۳۲۹) به طوریکه با تصویب روسیه و انگلیس نیروی نظامی روس از سرحد جلفا عبور و به تبریز آمد که حافظ و نگهبان کنسولگری آنها باشد. (اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰) در این موقع که قشون روس به تبریز رفته بود، روزنامه های انگلیسی علیه روسها اظهار عقیده نمی کردند و تنها اظهار تاسف می نمودند که چنین کاری لازم شد! اگر چه برخی در انگلیس از سیاست دولت انگلیس و روس خشنود نبودند ولی معتقد بودند به محض آنکه رفع خطر شد، انگلیسیها نخواهند گذاشت که نیروهای روس در آنجا بمانند. (اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰) جالب اینکه این دخالت نیروهای نظامی روس در ایران از سوی روزنامه های تندرو روسی تسامح آمیز تلقی شد و شاید اگر حمایت تزار از ایزولسکی، وزیر خارجه روسیه نبود، وی مجبور به کناره گیری می شد. (اسناد ملی شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰)

با استقامت سرسختانه ستارخان در تبریز، دولت های روس و انگلیس مشترکاً به محمد علی شاه پیشنهاد دادند که بی درنگ مشیرالسلطنه و نیز وزیر جنگ، امیر بهادر را از کار برکنار نماید. (نجمی، پیشین: ۲۴۶) محمد علی شاه، مشیرالسلطنه را برکنار کرد و به جای امیر بهادر، کامران میرزا، نایب السلطنه عموی خویش را منصوب نمود اما در ضمن سعدالدوله را که محبوب روس بود از کار برکنار کرد و از به کار گماردن ناصرالملک که مورد حمایت انگلستان بود، امتناع ورزید. دو سفارت علیه انتصاب کامران میرزا شروع به اعتراض کردند. در این حال روسیه علاقمند به حفظ سلطنت محمد علی شاه بود در حالیکه بریتانیا سیاستی را پیروی کرد که نتیجه آن روی کار آمدن ظل السلطان بود که به انگلیس نظر مساعد داشت (نجمی، پیشین: ۲۵۷، ۲۵۴) با این حال از حدود هشت ماه پیش از فتح تهران، دولت های روسیه و انگلستان از شاه خواستند رژیم مشروطه را مجدداً برقرار سازد و شاه برای اینکه لطمه ای به روابط خود با دو دولت وارد نیابد، سیاست کج دار مریز را در پیش گرفت و به اقدامات سستی دست یازید که نمایندگان دولتین آنها را کافی نمی دانستند (زینویف، پیشین: ۱۴۸) در واقع به همین علت بود که نامه های سفارتین به انجمن ایالتی تبریز مبنی بر صلح و فرمان عفو عمومی از

سوی شاه جلدی گرفته نمی شد. (کوهستانی نژاد ، ۱۳۸۸ : ۲۳۶) انگلیسیها برای تحت فشار قراردادن محمد علی شاه برای پذیرفتن مشروطه ، به روسها پیشنهاد دادند که دولت روس صاحبمنصبان خود را تا مدت محدودی از خدمت شاه مرخص کند تا شاه بفهمد که از دولت روس نمی تواند انتظار همراهی داشته باشد ولی وزارت امور خارجه روسیه این پیشنهاد را رد کرد . (کتاب آبی ، جلد اول ، ۳۲۵) راهکار دیگر دولت روس و انگلیس در چنین وضعیت بحرانی این بود که نمایندگان ایشان در بغداد با علمای نجف و کربلا به گفتگو پرداختند و از ایشان خواستند پادرمیانی کرده و آزادیخواهان را از شور و خروش فرو نشانند (کسروی ، ۱۳۸۴ : ۲۹) با وجود این تلاشها از سوی انگلیس و روس ، سیاست انگلیس و روس بی طرفی و سکوت برابر دولت و ملت بود . (عین السلطنه ، جلد سوم ، ۱۳۷۷ : ۲۳۰۶) و یا به ادعای خودشان حمایت از مردم در مقابل دولت بود به طوری که ایزولسکی ، وزیر امورخارجه روس گفته بود اگر قشون روس نبود از طرف قشون دولتی صدمات زیادی به مردم آذربایجان می رسید ! (عین السلطنه ، جلد چهارم ، ۱۳۷۷ : ۲۷۶۸) این گفته درصدد آن بود که سیاست روس در ایران را سکوت و یا حتی طرفداری از ملت ایران بداند در حالی که روسها با وجود آنکه با انگلیس عهد بسته بودند که در کارهای داخلی دخالت نکنند، نیروی نظامی به تبریز و رشت فرستادند ولی این نیرو نمی توانست به طور موثر جریان حوادث را تغییر دهد (زینویف ؛ پیشین : ۱۴۹) با اینحال سرانجام ستارخان را مجبور کردند به سفارت عثمانی پناهنده شود. (کتاب آبی جلد سوم ، ۵۵۶) به علت فشار و اصرار انگلیس و روس ، برخی از رجال مشروطه مانند تقی زاده احتمال می دادند که روس از شاه به شدت حمایت خواهد کرد و اردوگشی مشروطه طلبان به تهران با شکست روبرو خواهد شد و اوضاع بدتر می شود . (صفایی ، ۱۳۶۳ : ۳۸۳) با وجود تردید مشروطه طلبان در فتح تهران ، سرانجام سردار اسعد و سپهدار تنکابنی به سوی تهران حرکت کردند و نسبت به توصیه های نمایندگان روس و انگلیس برای متوقف ساختن حرکت ، اعتنایی نکردند . نبرد به مدت سه روز بین نیروهای ملی و طرفداران شاه ادامه داشت تا اینکه کلنل لیاخوف روسی تسلیم شد و محمد علی شاه تحت حفاظت مستحفظین روس و انگلیس به سفارت روسیه پناهنده شد . (کتاب آبی ، جلد سوم ، ۷۰۶) البته محمد علی شاه به وعده ی روسها مبنی بر ورود شصت هزار سالدات روسی به ایران در حمایت از تاج و تختش دلخوش کرده بود ! (صفایی ، ۱۳۶۳ : ۳۸۳) در واقع بعد از فتح تهران کشور همچنان در آشوب و ناامنی به سر می برد . به همین دلیل بسیاری از اعیان و اشراف و ملاکان و سرمایه داران ایرانی برای حفظ منافع خود ، رسماً تبعه و تحت الحمایه ی روسیه و انگلستان شده بودند. (مهدوی ، پیشین : ۳۳۷) بعد از پناهندگی محمد علی شاه به سفارت روس ، مسأله بدهی های او به بانک روس مطرح شد . پس از بررسی ها و گفتگو های بسیار ؛ سرانجام پروتکلی به تاریخ ۲۲ شعبان میان نمایندگان دولت های روس و انگلیس در ۱۱ فصل منعقد شد . فصل یازدهم که مربوط به مقررری محمد علی شاه بود ، پس از چندی حسین قلی نواب وزیر امور خارجه به سفارت خانه های روس و انگلیس اطلاع داد که دولت ایران به بعضی از نامه های خیانت آمیز شاه مخلوع به عده ای از رؤسای طوایف ترکمن در سرحدات شمال شرقی ایران دست یافته است و مطابق مقاولنامه ی هشتم شعبان ۱۳۲۷ پیشنهاد می کند که پرداخت قسط آینده مستمری شاه تا انجام تحقیقات لازم معوق بماند . (براون ، ۱۳۷۸ ، ۵۱) در واکنش به این تقاضا ، وزیران مختار روس و انگلیس اعتراض کردند که دعاوی علیه شاه سابق ثابت نشده است . نواب، وزیر امورخارجه با تقاضای دو دولت مبنی بر پرداخت مستمری ابتدا موافقت نکرد ولی با اصرار دو سفارت تحت فشار قرار گرفت و با پرداخت مستمری موافقت نمود . (کاظم زاده ، پیشین : ص ۵۷۵)

پس از خلع محمد علی شاه ، انگلیسیها احمد شاه را به رسمیت شناختند و محمد علی شاه را دیگر قبول نداشتند . (کسروی ، ۱۳۸۵ : ۱۷۵) به همین دلیل روسها پس از ورود محمد علی شاه به ایران، با انگلیسیها پنهانی معامله کردند که در عوض عدم پشتیبانی از محمد علی شاه ، انگلیسیها نیز با رفتن شوستر از ایران موافقت کنند . انگلیسیها هم برای جلب رضایت و متحد نگاهداشتن روسها در مقابل آلمان ، تقدیرات را به دست روس گذاردند که منجر به تعطیلی مجلس دوم

شورای ملی و اخراج شوستر شد ولی برخی از نمایندگان عوام انگلیس نسبت به این سیاست های دولتشان اعتراض داشتند (ملک زاده، جلد ۱، ۲، ۳، ص ۸۳۱: ۸۳۲)

نقش سیاسی روسیه و انگلیس در برآمدن و سقوط دولتهای مشروطه: (۱۲۸۰ - ۱۲۹۶)

دربار ایران تا پیش از مشروطه به دو دسته روسوفیلی و انگلوفیلی تقسیم می شد و با انقلاب مشروطه همچنان این صف بندی وجود داشت. پس از عزل امین السلطان به ترتیب عین الدوله و مشیرالدوله نایینی به صدارت برگزیده شدند. با صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی، دولت لایحه ای را در امور مالی تقدیم مجلس کرد. دولت مشیرالدوله با دو دولت روس و انگلیس هماهنگ کرده بود که بیست کرور تومان از آنها قرض بگیرد و این لایحه را به مجلس برد که با مخالفت شدید مجلس روبرو شد و مجلس طرح تأسیس بانک ملی را ارائه کرد. این حرکت نمایندگان مجلس، نشانه ای از عزم جدی آنها علیه وابستگی به بیگانگان و جلوگیری از دخالت آنها در امور سیاسی و اقتصادی بود. دولت روسیه نیز که خود با رژیم استبدادی اداره می شد، به هیچ وجه حاضر نبود وجود یک حکومت مشروطه و قانونی را در همسایگی خود تحمل کند به خصوص وقتی که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مجلس، لایحه استقراض از دولتین روسیه و انگلستان را رد کردند و مقرر داشتند که هر گونه قرضه ای باید از داخل کشور به عمل آید. (مهدوی، پیشین: ۳۳۳) امین السلطان نیز که یک بار دیگر بعد از مشروطه به رئیس الوزرای رسید. در این وقت سعی کرد به هیچ وجه از روس و انگلیس استقراض نکند. دولت بعدی، دولت مشیرالسلطنه بود که قرارداد ۱۹۰۷ در این زمان به امضاء رسید و در دولت ناصرالملک پاسخی محترمانه علیه قرارداد ۱۹۰۷ داده شد اما ناصرالملک سرانجام مورد غضب شاه قرار گرفت و به وساطت سفارت انگلیس از مرگ رها شده و به اروپا فرار کرد. (پورآرین، پیشین: ۱۰۵، ۸۲، ۷۸) در دولت نظام السلطنه مافی نیز روسها تجاوزاتی در آذربایجان داشتند. در این کابینه وزیر مختار روس و انگلیس به این نتیجه رسیدند که شاه باید با مجلس هماهنگ و در فکر اصلاح مملکت باشد و هیچ وقت دنبال اقداماتی نباشد که مخرب اساس مشروطیت است. (کتاب آبی، جلد اول، ۱۴۶) در این بین نظام السلطنه مافی نیز تلاش داشت که رابطه بین مجلس و شاه دوستانه شود ولی موفق نشد و در نتیجه کناره گیری کرد تا اینکه در دومین کابینه مشیرالسلطنه، مجلس با همدستی روسها بمباران شد. در این میان میانجیگریهای روس و انگلیس در صلح میان شاه و مشروطه طلبان به جایی نرسید و تهران به وسیله مشروطه طلبان فتح شد و سعدالدوله که ریاست کابینه را برعهده داشت، به سفارت انگلیس و شاه به سفارت روسیه پناهنده شد. فتح تهران با اهداف انگلیس مطابقت داشت ولی برای دولت روسیه بسیار مضر و نامطلوب بود. در واقع دولتی که بعد از فتح تهران تشکیل شد، اساساً مخالف روسها بود. دولت سپهدار تنکابنی و هیئت مدیره موقت در اقداماتی دربار احمد شاه را از عناصر روسی تصفیه کردند. در همین کابینه مذاکراتی درباره استقراض خارجی انجام شد که سرانجام بی نتیجه ماند. اعتدالی ها طرفدار کابینه سپهدار بود و دموکراتها حضور صنیع الدوله و وثوق الدوله را در کابینه خواستار بودند. گروه اعتدالی حفظ روابط دوستانه با روسیه و انگلستان را به سود ایران می دانستند و دمکراتها توجهی به دیدگاههای روس و انگلیس نداشتند. ترکیب کابینه سپهدار با حضور وثوق الدوله و صنیع الدوله مورد تأیید روسها نبود. در این زمان دولت انگلیس به روسها فشار آورد که نیروهای خود را از ایران بیرون برد اما روسها بهانه می کردند که دولت ایران هنوز پایه هایش محکم نشده و نمی تواند امنیت را برقرار کند در نتیجه قشون روس لازم است حضور داشته باشد. (اسناد ملی، شماره سند ۸۳۷۰/۳۶۰) بنابراین با شکست دولت سپهدار در جلب موافقت روسیه در بیرون بردن قوای خود از خاک ایران، منجر به کناره گیری وی شد.

بعد از کناره گیری سپهدار، دولت مستوفی الممالک روی کار آمد که کابینه ای ضد روسی محسوب می شد و نواب، قوام و حکیم الملک در آن عضویت داشتند. در این دولت حوادثی چون قتل سید عبدالله بهبهانی، خانه نشینی ستارخان و درگذشت عضدالملک اتفاق افتاد. این کابینه نیز مانند کابینه های پیشین زیر فشار سیاست های توسعه طلبانه و ستمگرانه روس و انگلیس قرار داشت و این بار چون دولت انگلیس حضور نظامی گسترده و سازمان یافته ای در ایران نداشت، تصمیم گرفت تا به بهانه ناامنی راههای جنوب و زیان دیدگی بازرگانان انگلیسی، نیرویی همانند بریگاد قزاق، زیر نظر صاحب منصبان انگلیسی در جنوب کشور تاسیس کند. انگلیسیها در حین آنکه ائتلاف با روسها داشتند، باز اثرات رقابت تاریخی آنها به کلی رفع نشده بود. همزمان که روسها نقاط شمالی ایران را اشغال کرده بودند، انگلیسیها به بهانه عدم امنیت راهها و منع قاچاق اسلحه، قشون خود را در جنوب فعال کردند. (ایران نو، شماره ۲۷: ۱) در واقع انگلیسیها از دیرباز از ناامنی راههای جنوب گله مند بودند و با دولت روس در این باره گفتگو می کردند که یادداشتهایی به دولت ایران دهند. در یادداشت نخست تصریح نمودند که اگر تا سه ماه دیگر دولت ایران نتواند راههای جنوب را به ایمنی بیاورد، دولت انگلیس ناگزیر خواهد بود نیرویی به نام امنیه جنوب بسیج کند و این نیرو به ایمنی راهها بپردازد و حقوق ایشان از مالیات فارس گرفته خواهد شد. (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۴۹) این خبر چون پخش گردید از تبریز تلگراف های تندی به دولت فرستادند. از نجف آقایان آخوند خراسانی و حاج سید مازندرانی تلگراف ها فرستادند. در استانبول ایرانیان و دیگران به جوش آمدند و انجمن سعادت تلگراف ها فرستاد. این اقدامات دولت را پشت گرمی داد و پاسخ به سزایی را به دولت انگلیس فرستاد و بدین ترتیب انگلیسیها عقب نشینی کردند. (همان: ۱۵۰)

پس از مستوفی الممالک، بار دیگر سپهدار تنکابنی به صدارت رسید. در دولت وی مورگان شوستر آمریکایی به ایران آمد و در همین دولت محمد علی شاه با حمایت روسها به کشور حمله کرد. تعلق و یا حمایت غیر مستقیم سپهدار از محمد علی شاه، منجر به برکناری وی شد و به جای وی صمصام السلطنه دولت را در اختیار گرفت. در این دولت تیرگی روابط با دولت روس به اوج رسید که اولتیماتوم روس جهت اخراج مورگان شوستر را در پی داشت. دولت انگلیس نیز که در برابر قدرت روزافزون آلمان به دوستی روسیه احتیاج داشت، پذیرفتن اولتیماتوم را به دولت سفارش کرد. کار بالاتر گرفت و منجر به انحلال مجلس دوم شورای ملی با فشار روسیه شد. در دولت صمصام تجاوزات روسها در تبریز و رشت و ارومیه شدت پیدا کرد و تعدیات انگلیسیها در جنوب نیز افزایش یافت. (صفایی، ۱۳۶۳: ۲۴۹) کشتار روسها در گیلان و مشهد نیز از دیگر حوادث مهم در دولت صمصام السلطنه بود. اشغال کشور توسط روس و انگلیس؛ آغازگر اعتراضات مردمی بود. علمای نجف و کربلا مردم را به تحریم عمومی کالاهای روسی فرا خواندند. در تهران تظاهرات کنندگان ویتترین مغازه هایی را که کالاهای روسی می فروختند، درهم شکستند. گروهی دیگری از مردم نیز از فروش چای جلوگیری کردند. تجار شیراز برای دریافت سپرده هایشان به بانک شاهی هجوم بردند و از فروش مواد غذایی به نیروهای انگلیسی خودداری کردند. (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

برای جایگزینی صمصام السلطنه دو گزینه وجود داشت. طرح رئیس الوزرای سعدالدوله و علاء السلطنه بسیار جدی بود. وزیران خارجه روس و انگلیس نظرشان متمایل به سعدالدوله و نظر دولت وقت به علاء السلطنه بود. سعدالدوله حتی توانسته بود که کابینه خود را آماده کند اما انگلیسی ها نظر به ناخرسندی افکار عمومی و نیز بحران های موجود در کشور، صلاح ندیدند که از راه زور و فشار، او را به زمامداری برسانند. از سوی دیگر علاء السلطنه برای اینکه نظر دولتین را جلب کند، به آنها آگاهی داد که دولت وی با دادن امتیاز راه آهن موافقت خواهد کرد. تلاش علاء السلطنه و ناخرسندی عمومی و پافشاری سعدالدوله بر دریافت کمک های مالی هنگفت، سرانجام دولت های روس و انگلیس را ناگزیر ساخت که دست از حمایت سعدالدوله بردارند. (پورآرین پیشین: ۳۶۷) کوشش های علاء السلطنه در دو جهت انجام گرفت، یکی پیگیری

موضوع راه آهن مورد نظر انگلیس و روس و دوم گسیل نیرو برای برقراری امنیت در جنوب که اولی یعنی امتیاز راه آهن جلفا - تبریز با نبود مجلس شورای ملی به امضاء رسید. آغاز جنگ اول جهانی، گشایش مجلس و تاجگذاری احمدشاه از دیگر رویدادهای مهم در این دولت بود. در انتخابات مجلس سوم، انگلیس و روس اعمال نفوذ کردند تا نمایندگان مورد نظر خود را به مجلس بفرستند. در مجلس سوم دمکراتها در اقلیت قرار داشتند ولی با این حال انگلیس و روس نمی توانستند ثبات کابینه ها را در جهت منافع خود تأمین کنند. به هر شکل تلاش دمکرات ها در مجلس و همچنین احمد شاه منجر به روی کار آمدن مستوفی الممالک شد. مستوفی الممالک با گماردن محمد حسن میرزا ولیعهد در سمت حکمران آذربایجان، توانست این استان را از مظالم صمد خان مراغه ای عامل روسها برهاند. (آوری، ۱۳۷۳: ۳۵۱، ۳۶۰)

با آغاز جنگ اول جهانی، دولت ایران اعلان بی طرفی کرد اما روح قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس با اعلام بی طرفی ایران چندان سازگاری نداشت. به همین دلیل کوششهای دولت بر ممنوعیت حمل اسلحه توسط مامورین روس و انگلیس به جایی نرسید. (اسناد ملی، شماره سند ۲۹۰/ ۱۰۴) با استعفای مستوفی الممالک، مشیرالدوله روی کار آمد. در این میان سفارت آلمان بسیار تلاش کرد تا در اعضای کابینه عناصر متمایل به انگلیس و روس حضور نداشته باشند. در کابینه مشیرالدوله، حکیم الملک، مستشارالدوله و نصر الملک هدایت از اشخاص نزدیک به آلمان ها بودند. اندکی پس از تشکیل کابینه مشیرالدوله، بر نمایندگان روس و انگلیس در ایران کاملاً آشکار گردید که دولت و مجلس با اطمینان از پیروزی نهایی آلمان، به زیان متفقین می اندیشند. در این میان، پیاده شدن شماری از نظامیان مرزی روسیه در انزلی، به منظور تعویض نیروی سازمان یافته آن کشور در قزوین؛ به تظاهرات گسترده ای در تهران برای اخراج کامل همه نیروهای روسی از قزوین تا اردبیل منجر گردید. (پورآرین، پیشین: ۴۰۳) طرفداری مشیرالدوله از آلمانها منجر به این شد که مارلینگ، وزیر مختار انگلیس و باخ، کاردار روسیه نزد احمد شاه بروند و او را با تهدید مصمم سازند که به برکناری مشیرالدوله و زمامداری سعد الدوله، بستن مجلس، توقیف روزنامه ها، بیرون راندن افسران سوئدی و طرد نمایندگان آلمان و عثمانی مبادرت ورزد. ذکر نام سعدالدوله برای ریاست دولت توسط روس و انگلیس بار دیگر دولتمردان و احزاب و نمایندگان مجلس را نگران کرد. بنابراین از ترس روی کارآمدن سعد الدوله با حمایت روس و انگلیس، نام عین الدوله به میان آمد و او هم فرصت را غنیمت شمرد و ریاست دولت را برعهده گرفت. اما کشته شدن کاور، رئیس بانک استقراضی و استیضاح فرمانفرما، وزیر داخله موجب بحران در دولت عین الدوله شد. (همان: ۴۰۸، ۴۰۶) نمایندگان مجلس وجود فرمانفرما را در کابینه قبول نداشتند و از دادن رأی اعتماد به وی خودداری کردند و در این فاصله وزرای مختار روس و انگلیس نزد عین الدوله رفته و از او خواستند از استعفا صرف نظر کند. مؤتمن الملک، رئیس مجلس به دمکراتها اطلاع داد که عین الدوله حاضر است وزارت داخله را شخصاً بپذیرد و فرمانفرما را وزرات جنگ دهد ولی دمکراتها قبول نکردند. رویس، وزیر مختار آلمان نگران بود که در صورت مخالفت با کابینه عین الدوله روسها کابینه بدتری را سرکار بیاوردند و شاید قشون روس به سوی تهران حرکت نماید. انگلیسیها سعی داشتند حضور فرمانفرما در کابینه حفظ شود. به همین دلیل کمک ۱۰۰۰ لیره ای برای فرمانفرما در نظر گرفته شد تا افکار عمومی را به سود خود تغییر دهد (ارباب، ۱۳۸۳: ۱۴۳) با اینحال دولت عین الدوله سقوط کرد و دمکراتها سعی داشتند مستوفی الممالک سر کار بیاید اما مشیرالدوله تشکیل کابینه داد. مشیرالدوله از حزب دمکرات ناراضی بود و از طرف روس و انگلیس نگرانی داشت به همین دلیل میل داشت که مستوفی الممالک به دلیل محفوظ ماندن از دمکراتها و عین الدوله برای آرام کردن روس و انگلیس در کابینه حضور داشته باشند ولی این کار صورت نگرفت و مدتی بعد مشیرالدوله نیز استعفا داد. (دولت آبادی، جلد سوم ۱۳۷۱، ۲۸۸)

مستوفی الممالک با آنکه در کابینه پیشین خود بی طرفی ایران را در جنگ جهانی اعلام کرده بود، این بار به ترویج سیاست آلمان پرداخت. مستوفی الممالک خود به اندازه ای در مقام هم‌رأی حزب دمکرات، روس ستیز بود. علاوه بر این

دو تن از اعضای کابینه از همراهان پروپا قرص آلمان محسوب می شدند. روس و انگلیس از زمامداری مستوفی الممالک و این که شخصاً وزارت داخله را عهده دار گشته و معاونت آن را هم به میرزا سلیمان از دسته ی دمکرات داده بود، نگران شدند چرا که دولت را در حال گرایش به مخالفان خود می دیدند و به ویژه آن که دستگاه ژاندارمری نیز که آن هنگام به زیان متفقین رفتار می کرد، زیر نظر دمکرات ها قرار می گرفت. در پاسخ به انتخاب مستوفی الممالک، روس و انگلیس هم دست به تحرکات نظامی زدند و نزدیک به هزار تن سالدات روس در مسیر تهران قزوین پیشروی کردند و دولت را ترساندند. (پورآرین، پیشین: ۴۱۳)

فرمانفرما در مقام وزیر داخله، با ارسال دستور العمل های قاطع به تمام ولایات برای جلوگیری از عملیات آلمان ها هر آنچه توان داشت، به کار برد ولی تلاش دیگر همکارانش در خنثی نمودن کوشش های او بی تأثیر نبود. مثلاً مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف نه تنها تمام اطلاعات مربوط به حرکات نظامی روسها را در اختیار آلمان ها قرار داد بلکه در مورد شکست روسها نیز گزارش هایی منتشر کرد (مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۷۷) در اصفهان، شیراز، همدان، بوشهر اموال افراد انگلیسی مورد تجاوز قرار گرفت چنانکه چند نفر از انگلیسیها کشته شدند. در چنین اوضاعی روس، وزیر مختار آلمان در تهران با مستوفی رابطه نزدیک و گفتگوهای پنهانی داشت و این گفتگوها به امضای قرارداد محرمانه نظامی بازرگانی منتهی گردید. گر چه گفتگوها محرمانه بود اما مقامهای وزارت خارجه انگلیس و روس کابینه را زیر نظر داشتند و به چنین قراردادی پی بردند. یکی دیگر از تصمیمهای این دولت، تغییر پایتخت به اصفهان بود که با دخالت مارلینگ، وزیرمختار انگلیس و فن اتر، وزیر مختار روس متوقف شد و در نتیجه مستوفی از کار کناره گیری کرد. (صفایی، ۱۳۷۴: ۶۹، ۷۰)

با کناره گیری مستوفی الممالک، فرمانفرما رئیس الوزرا شد و یکی از برنامه های وی طرح پیمان همکاری با متفقین بود که البته به توافق طرفین نرسید. در زمان این دولت، رجال طرفدار آلمان از تهران مهاجرت کردند و کمیته دفاع ملی، تشکیل دادند. کمیته، نخست در صحن حرم حضرت معصومه (س) تشکیل شد، اما هنگامی که روسها آن شهر را اشغال کردند، اعضای کمیته به کرمانشاه، آنجا که اکراد طرفدار عثمانی با انگلیسیها می جنگیدند، گریختند. در همین حین علمای نجف و کربلا برای تشویق و ابلاغ در وجوب جهاد با روس و انگلیس و متحدین آنها به کاظمین آمده و عازم ایران شدند. از آنجمله شیخ الشریعه اصفهانی، حاج سید مصطفی کاشانی، حاجی سید علی آقا داماد، آقا سید محمد فرزند آقا سید کاظم یزدی، آقا میرزا احمد رضا پسر آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا سید محمد علی شهرستانی بود. (کاوه، شماره ۴، ۶)

انگلیس در برابر این فعالیت ها، برای بختیاری ها و اعراب تحت ریاست شیخ خزئل سلاح ارسال کرد. سرانجام نیروی پلیس محلی به فرماندهی انگلیسیها با عنوان پلیس جنوب تشکیل شد. انگلیسها در سال ۱۲۹۵ کرمانشاه را تصرف کردند و دولت دفاع ملی را از بین بردند. نیروهای روسی نیز همزمان در گیلان گرفتار چریک های کمیته وحدت اسلامی معروف به جنگلیها شده بودند. (آبراهامیان، پیشین: ۱۴۰) در این شرایط دولت فرمانفرما که تحت نفوذ انگلیسیها بود به زودی استعفا داد و سپهدار که مناسبات حسنه با روسها داشت، رئیس الوزرا شد. در این هنگام روسها در تهران همه کاره بودند و بسیاری از اختیارات در دست آنها بود. کابینه سپهدار بر اثر فشار روس و انگلیس قرارداد «کمیسیون میکس» اجازه تشکیل دو نیروی یازده هزار نفری در جنوب و شمال به انگلیس و روس داد و به موجب همین قرارداد امور مالی ایران تماماً زیر نظر کمیسیون مزبور در آمد (صفایی، جلد دوم، ۴۲۷) این قرارداد در حالی منعقد شد که افکار عمومی بر ضد آن بود و روسها نیز در شرایط مناسبی قرار نداشتند. (مابرلی، پیشین: ۲۵۸) به طوری که با تصرف همدان از سوی عثمانیها سفرای روس و انگلیس در آستانه ترک پایتخت بودند. (صفایی، ۱۳۷۴، ۷۱) در این هنگام روسها در همدان شکست خوردند و بر اثر پیشروی سریع عثمانیها، نفوذ سیاسی روسیه سست شد و کابینه در این هنگام تغییر پیدا کرد. (صفایی، دوره اول، ۳۰۷)

با سقوط کابینه سپهدار، وثوق الدوله به رئیس الوزرای منصوب شود. همزمان با تشکیل این کابینه رژیم تزاری سقوط کرد. با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تزاری سرنگون شد و بلشویک ها با قرارداد برست لیتوفسک در سال ۱۹۱۸ راه خودش را از انگلیس کاملاً جدا کرد. از این به بعد ایران تحت تأثیر سلطه بریتانیا بود و در همین زمان قرارداد ۱۹۱۹ بسته شد. با توجه به مذاکرات ایران و شوروی در مسکو و شوروی و انگلیس در لندن و پاریس، روابط خصمانه کاهش یافت و انگلیس و شوروی توافق کردند که نیروی نظامی هر دو کشور از ایران خارج شود. مذاکرات ایران و شوروی که در دولت پیرنیا و سپهدار شکل گرفته بود در دولت سید ضیاء به نتیجه رسید و روابط دو کشور دوستانه شد. انگلیسها با توجه به خروج نیروی نظامی اشان، نگران کودتای بلشویکی بودند. بنابراین درصدد برآمدند که نیروی ایرانی در قزوین را به تهران فراخوانند تا یک دولت مقتدر شکل گیرد. رضاخان سرانجام با همکاری برخی از عوامل انگلیس، نیروهای قزاق را به تهران آورد و با کمک سید ضیاء و دیگر دولت مردان به تدریج توانست دولت مقتدر را در کشور ایجاد کند.

نتیجه گیری

در حالی که انقلاب مشروطه در ایران در حال شعله ور شدن بود، روسیه و انگلیس در قبال نهضت مشروطه سیاست متفاوتی را در پیش گرفتند. روسها که در دربار قاجار نفوذ زیادی داشتند، از جریان مشروطه خواهی و تغییر وضع موجود در ایران ناراضی بودند از سویی دیگر انگلیسها به دنبال راه حلی بودند که نفوذ سیاسی روسها را در ایران کاهش دهند. انگلیسها از مدتها پیش برای مقابله با روسها هزینه های زیادی را متحمل شده بودند ولی با این حال قادر به رقابت جدی با روسها نبودند اما انقلاب مشروطه یک نهضت ضد روسی و ضد استعماری محسوب می شد و انگلستان که دارای حکومت مشروطه بود، از فرصت استفاده و مشروطه طلبان را مورد حمایت قرار داد تا از طریق مشروطه، پایه های قدرت روس را در ایران متزلزل کند. به نظر می رسد با انقلاب مشروطه نفوذ سیاسی روسها کاهش یابد اما با قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس، دست روسها را تا اندازه ای زیادی در ایران باز گذاشت به همین دلیل محمد علی شاه با حمایت روسها مجلس اول شورای ملی را منحل کرد اما انحلال مجلس و برچیده شدن مشروطه، مورد رضایت انگلستان نبود. انگلیسها با پناه دادن مشروطه خواهان به سفارت، منجر به تیره گی روابط محمد علی شاه با انگلیسها شدند. در دوران استبداد صغیر، سیاست انگلستان آن بود که در امور داخلی ایران صریحاً دخالت نکند و حتی الامکان از دخالتهای روس ها در ایران نیز جلوگیری کند. روسها اگر چه دخالت و تجاوزات بی شماری در ایران داشتند ولی به خاطر ملاحظه از انگلیسها سرانجام، نتوانستند از فتح تهران و سقوط محمد علی شاه جلوگیری کنند.

با توجه به وابستگی سیاسی و اقتصادی ایران، زمامداران ایران برای پیشبرد امور کشور به یکی از دول انگلیس و روسیه وابسته بودند و سیاست ایجاد دولت ثالث برای توازن قدرت همواره با کارشکنی و مخالفت دو قدرت بزرگ روبرو می شد. به طور کلی برخی از دولتها وابسته به یکی از دول روس و انگلیس و برخی دیگر وابسته صرف نبودند بلکه به دنبال توازن یا بازی سیاسی با دو قدرت بزرگ در جهت منافع کشور بودند. بنابراین دولتها را می توان به سه دسته تقسیم کرد: از دولتهای طرفدار روسیه می توان دولتهای امین السلطان، مشیرالسلطنه، سعد الدوله و دولتهای دوم و سوم سپهدار تنکابنی اشاره کرد. از دولتهای طرفدار انگلیس می توان به دولتهای امین الدوله، علاء السلطنه، فرمانفرما و وثوق الدوله اشاره داشت. از دولتهای به اصطلاح بی طرف می توان به دولتهای نظام السلطنه مافی، دولت اول سپهدار، صمصام السلطنه، مستوفی الممالک، مشیرالدوله و عین الدوله را ذکر نمود. با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تزاری سرنگون شد و از این به بعد ایران تحت تأثیر سلطه بریتانیا قرار گرفت و قرارداد معروف ۱۹۱۹ میان ایران و انگلیس بسته شد اما هیجان عمومی علیه قرارداد و اشغال گیلان از سوی بلشویک ها، انگلستان را در شرایط سختی قرار داد. در نتیجه انگلستان و شوروی این بار به جای

تقسیم ایران، توافق کردند که نیروهای نظامی را از کشور خارج سازند و حتی قرارداد های ننگین اقتصادی و سیاسی علیه ایران را لغو کنند. با توجه به این شرایط، زمینه های حضور یک دولت مقتدر در کشور ایجاد شد.

منابع

۱. ارباب، معصومه (۱۳۸۳) روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۲. اسناد محرمانه سیاسی، (۱۳۱۱)، تهران: مطبوعه حسین باقرزاده
۳. اعظام قدسی، حسن، (۱۳۲۴)، کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، چاپخانه حیدری.
۴. اوبن، اوژن، (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمه: علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
۵. آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۱)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۶. آوری، پیتر، (۱۳۷۳)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیع مهر آبادی، تهران: انتشارات عطایی.
۷. براون، ادوارد، (۱۳۷۸)، نامه هایی از تبریز، ترجمه: حسن جوادی، تهران: خوارزمی.
۸. بشیری، احمد (به کوشش) (۱۳۶۲)، کتاب آبی، جلد ۱، ۲، ۳، ۵، تهران: نشر نو.
۹. پاولویچ - ایرانسکی؛ (۱۳۵۷)، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن.
۱۰. پورآرین؛ فواد، (۱۳۸۵)؛ انقلاب فراموش شده، تهران، چاپار
۱۱. تفرشی حسینی، احمد، (۱۳۵۱)، روزنامه اخبار مشروطیت، تهران ک امیرکبیر.
۱۲. تقی زاده، حسن، (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات فردوس.
۱۳. حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۰)، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: امیرکبیر.
۱۴. دولت آبادی، یحیی، (۱۳۷۱)، حیات یحیی، جلد سوم، انتشارات عطار و فردوس،
۱۵. رایت، دنیس، (۱۳۸۳)، انگلیسیها در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: اختران.
۱۶. روزنامه ایران نو
۱۷. روزنامه تمدن، (۱۳۸۴)، تهران: موسسه چاپ و انتشار دانشگاه تهران. موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی،
۱۸. روزنامه حبل المتین، (۱۳۸۳)، تهران: موسسه چاپ و انتشار دانشگاه تهران.
۱۹. روزنامه حکمت (۱۳۸۴)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. روزنامه حکمت (۱۳۸۴)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. روزنامه خاطرات عین السلطنه، جلد سوم و چهارم (۱۳۷۷)، به کوشش: مسعود سالور، ایرج افشار، انتشارات اساطیر.
۲۲. روزنامه کاوه، (۱۳۳۴)، تهران، ویس.
۲۳. زرگر، علی اصغر، (۱۳۷۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه: کاوه بیات، انتشارات پروین - معین.
۲۴. زینویف، ایوان، (۱۳۶۲)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران: اقبال.
۲۵. سیاح، حمید، (۱۳۵۹)، خاطرات حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
۲۶. شیخ الاسلامی، محمد جواد، (۱۳۷۵)، سیمای احمد شاه قاجار، نشر گفتار.

۲۷. صفایی، ابراهیم، (۱۳۷۴)، وثوق الدوله، تهران: کتاب سرا
۲۸. صفایی، ابراهیم، (۱۳۶۳)؛ رهبران مشروطه، تهران: جاویدان، جلد اول،
۲۹. طلوعی، محمود، (۱۳۸۴) دو قرن نیرنگ، تهران: علم.
۳۰. عیسوی، چارلز، (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند. تهران: گسترده.
۳۱. فوران، جان، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
۳۲. کاظم زاده، فیروز، (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۳. کسروی، احمد، (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۴. کوهستانی نژاد، مسعود، (۱۳۸۸)، اسناد دوره اول مجلس شورای ملی، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۵. مابری، جیمز، (۱۳۶۹)، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا.
۳۶. ملک زاده؛ مهدی، (۱۳۷۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ (جلد ۱، ۲، ۳) انتشارات علمی.
۳۷. مهدوی، هوشنگ، (۱۳۸۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر
۳۸. نجمی، ناصر، (۱۳۷۷)، محمد علی شاه و مشروطیت، تهران: زریاب.

39. Iran's first revolution , New York 1991 Mangol Bayat

اسناد منشر نشده :

* اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/ ۸۳۷۰.

* اسناد ملی، شماره سند ۲۹۰/ ۱۰۴.

مغز بادک

ع ۹۰

فردا روز در نظر دارم دست چه خبر در نظر کارهای مهم دارم
بچه کشیدیم که دست روی می آید. دارم ایران دست بر سر من
تست می کنم در دست است. دست بر سرم بکنم در ایران می آید
دست بر سرم به دست در دست و در دست بر سرم می آید
دارم دست در دست بر سرم می آید در ایران دارم
فردا روز در نظر دارم دست چه خبر در نظر کارهای مهم دارم
بچه کشیدیم که دست روی می آید. دارم ایران دست بر سر من
تست می کنم در دست است. دست بر سرم بکنم در ایران می آید
دست بر سرم به دست در دست و در دست بر سرم می آید
دارم دست در دست بر سرم می آید در ایران دارم

در بعضی موارد که در دست بر سرم می آید
فردا روز در نظر دارم دست چه خبر در نظر کارهای مهم دارم
بچه کشیدیم که دست روی می آید. دارم ایران دست بر سر من
تست می کنم در دست است. دست بر سرم بکنم در ایران می آید
دست بر سرم به دست در دست و در دست بر سرم می آید
دارم دست در دست بر سرم می آید در ایران دارم

گزیده ای از گزارش خبرنگار دیلی نیوز دوباره سیاست انگلیس و روس در تنش میان محمد علی شاه و مشروطه طلبان سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .



مخارت شاه ایران
Legation
de
S.M.I.
le Shah de Perse
à Londres.

۲۲

نماد روی به ادراک این جشن (هزاره سوم) بر سر راه انزلی (پیش
 از رسیدن به آنجا) در روز یکشنبه اول فروردین ماه ۱۳۰۷
 حضرت باقیات مبارک و با کمال تقیه و احترام که در این طریقه از طرف
 و بکلیت کز زنده ای که از این جشن هم بر می آید که این غنچه در میان
 فرزندان است که در روز پنجشنبه از غنچه در این طریقه باقیات مبارک
 بنام برده بجهت غنچه ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷
 شاه از در مبارک است. هر دو روز پنجشنبه ۱۳۰۷

بنا بر این خبر روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این روز در این
 از این جهت که در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 غنچه ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 از این جهت که در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 غنچه ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 از این جهت که در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 غنچه ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این
 ترجمه در روز اول فروردین ماه ۱۳۰۷ در این

گزارش وزیر مختار ایران در لندن از مسامحه و موافقت انگلیسیها از روش در پیش گرفته روسها .
 سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .



در باب علمی که برای خردیست خلیفه اینست که در این کتاب
 بخواند آن روز از حازه طهران اطلاع داد و از یکروز خردیست خلیفه
 ایستاد تا آنجا که در روز اولین این کتاب بود در طهران که از هر دو طرف
 با اعتبارش از هر طرف است به هر دو طرف از این طریق است
 در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف

یک است که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف
 که در این کتاب که در علم خود در دو طرف از هر دو طرف از هر دو طرف

گزارش وزیر مختار ایران از جرارد انگلیس درباره تصمیم محمد علی شاه از بازگشایی مجدد مجلس شورای ملی
 سازمان اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰.

مغرت مبارک
شاه
۱۶۴

کرت و بصیرت بهم برسد
در حضورت که از آنست که هرگز از دست
بدرست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
روزنه خود برین اربعه (۲۲)

روزنه در حضورت روزی در دست و راجع به آنست که از آنست که هرگز از دست
در ایران که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
فران و دست از آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
را که تا آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
فوز و در ایران که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
همه هم بود که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
ز راه دیگر که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
باز آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
در آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
در آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز
در آنست که هرگز از دست نماند روزی ایران و تمام دولت از آن روز است تا روز

ترجمه مقاله روزنامه گاردین از تحولات سیاسی ایران در دوره محمد علی شاه
سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰

اسم جامع کوفته در دست

تعارف وزارت چه امور خارج
در اشیاء راهها و جها که تمام و آن وقت روس در
زمنه اندر طرف ایالت برسط وزارت چه امور خارج
تعمیر اینها میباشند و در زمانه روس ایالت و قاطب این
در کتب و غیره در دست چه امور خارج
ایالت رسید و در دست چه امور خارج
اینها در دست چه امور خارج
در این ایالت و در دست چه امور خارج
بجور و به غیره در دست چه امور خارج
اینها در دست چه امور خارج
در این ایالت و در دست چه امور خارج
بجور و به غیره در دست چه امور خارج

فوق نظر و جها که تمام و آن وقت روس در
در دست چه امور خارج
در این ایالت و در دست چه امور خارج
بجور و به غیره در دست چه امور خارج

۱۳۲۷

سجده

نامه وزیر مختار به وزیر امور خارجه درباره ورود قوای روس به آذربایجان در سال ۱۳۲۷

سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰

۱۰۸۳۶ ۲

۲۷ ۲
۳

کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم
 حضرت خطاب ابراهیم سیدالمراد
 ایرازد بگویند چون در ابطه بود با کفایت
 از دست زنده را خارج نموده خزان سلطان
 هات نیت در طران هم بنده را بسم
 — بنده هم به خدمت آمدن جان
 هم در درازم — فرمایید و کرامت
 نیهای به تقدیم بگویم فقط
 جفت بیست و نه حضرت ابراهیم
 زنده و کاندید
 در اینم — و — دست زنده از زنده
 ۱۳۲۷ صفر ۲۳



گزارش وزیر مختار از جراید انگلستان درباره ایران در صفر المظفر ۱۳۲۷
 سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .



روزنامه دلی نیوز که بابت ایران بجا می آید در باب مذاکرات انگلیس
 در ایران است بزند: "مذاکرات است و تا که بر علیه دولت ایران
 حاضر نبوده است یک روز فارغ از درس و در این عصر برون رفتن
 مراد خود می گویند این باطل را در راه است نفس مردم را تفسیر می گویند
 بگویم آ، همه در حفظ استقلال این تفسیر است علاوه بر کل وضعی که
 اطلاق نمودیم و این بود که در میان در این عصر بگویم که مردم
 در باب کویت خوف در این عصر بگویم که خصوصاً در این عصر
 در هر است است که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 هم همه را همه را در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 غول در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر

تمام مسوولیت این امر را که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر
 که در این عصر بگویم که در هر است است که در این عصر

مردم ۴ به ۱۰ - فردی

گزارش وزیر مختار از روزنامه دلی نیوز (از انعکاس مذاکرات مجلس و دولت انگلیس درباره ایران سال ۱۳۲۷)
 سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .

۱۹

اسم ارجح کتاف نوزادین

حضرت خطاب امیر ارض سواد را در
 پارت انبار دات هر دات بلیس دوت روس اطمینان دادند
 بهتر می آید با بارون باین ایزرات در مدینه در ایران گنبد و
 اینجا در بارون مکررات قافله در مدینه خواهد بود
 هر امری باین مفعول نشان ایزرات در حکومت شرط خواهد بود
 مکتب بهتر خواهد شد بصفت و این که در این مکتب
 نام حق و در به بیم و قهر اطمینان از منزلت نایب و کار این مکتب
 قبل گنبد ارجح فرغ هر امری که خود را در این مکتب حفظ
 هر چه خواهد بود در کتب با اوقاف لازم است اطاعت این مکتب
 مکتب خود را و این مکتب مکتب از انصاف خود را در این مکتب
 نخواهد شد

۱۳۲۷

۲۷ $\frac{۲}{۳}$

سازمان اسناد ملی

سازمان اسناد ملی

نامه وزیر مختار به وزیر خارجه ایران درباره سخنان وزیر امور خارجه انگلیس درباره اختلاف محمد علی شاه و

مشروطه طلبان

سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰



وزارت امور خارجه

اداره
مورخه
نومره

وزارت امور خارجه
دفتر امور بین الملل و روابط عمومی
شماره ۸ - تهران - سال ۱۳۳۳
تاریخ ۹ ۳ ۱۳

وزارت امور خارجه
دفتر امور بین الملل و روابط عمومی
شماره ۱۵ - تهران - سال ۱۳۳۳
تاریخ ۹ ۳ ۱۳

تاریخ ۹ ۳ ۱۳
وزارت امور خارجه
دفتر امور بین الملل و روابط عمومی
شماره ۱۵ - تهران - سال ۱۳۳۳
تاریخ ۹ ۳ ۱۳

گزارش وزیر مختار درباره عملکرد ستارخان و باقرخان در آذربایجان
سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .

۱۲۰



۴۷۳۴

روزنامه "پیکر گاردین" که بمقتایه اخبار بلخ دارد و از روزنامه‌ها
معرض دفتر وزارت دربار حبیب‌الله خاوری در باران نیز به این
که نطق وزیر خارجه درستان می‌باشد و در این باره
با تغییر که در یک کلمه تعریف از قابلیت آنها در حفظ نظام حدودی که در استانبول

مورد
خبر کارتریز زمین در روزنامه "پیکر گاردین" از این طرف کرده است که
کم کم سیدیه شان از انگلیس می‌رود با وجود این که پارس در نظر
در تاریخ ۱۵ فروردین در وزارت خارجه است که انگلیس نیز
و اگر در آن تاریخ حاله مانی قول خود را که به سبب عدم
بر کارتریز می‌رود و در این باره که سایر اخبار این کشور

روشن باشد و در واقع کارنامه این است که اگر در انگلیس
کارگر که در نظر شما با دست خالی و خوارانه گفتند که آن
و غیره و در این باره که در روزنامه "پیکر گاردین" در
مورد تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۰۷

گزارش وزیر مختار از مقاله روزنامه گاردین درباره سخنان وزیر خارجه انگلیس درباره ایران
سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .



وزارت امور خارجه

امواج مکتوبه زرا از لندن

۱۳۳۷۵

اداره
مورخه
نمبره

دائره

جناب شریفه
 کشفه دکنه وزیر ارفا به روس در لندن بموازات یک شخص در جناب معبرین کوفه
 بدست رسیده در روز اول فروردین خود را بر سر برد و در شطراک در آنجا نشین
 نمود و فرقی خود را بر ده آید محو شود کرده ازم با وضع در حضور فرقی در لندن
 و در جناب معبرین اول کار است در وقت غیبت است در آنجا او در خط است
 شود وزیر ارفا به انگلیس رسیده بود هر دو احد است بقا نیست خواهد دانست
 داده و در تمام موارد مکلف است بآب است نشین شود در وقت آن آن است
 در آن در صورتیکه پیش از آن زمان رخ نده به عقیده او با حالت اول کار است
 و در آن هر فرد علی بنو است مرتبه نیکه فرقی را برده است با هم رسیده و فرقی در
 بر رفتن با آن از آن که کتب عالم کتب فرستاده و نیز از آن است عدد در آن اصلاح بدیم
 در آن بعد از آن معبرین بود او را فرستاده در روز شنبه رجا آ، مکتوبه همواره او را
 بطور کافه او را نیز و در رخ پیش از و در آن مکتوبه بر او فرستاده فرقی را بدیم

نامه وزیر مختار درباره وزیر امور خارجه روس در لندن

سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .



در باب مجلس که با امر حضرت شهاب علیه السلام در آن مجلس است
 بجز آن آموخته اند از طرفان صلح و ادوار بگویند حضرت شهاب علیه السلام
 بسته و باقیان در آن روز در مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 باقیان در آن روز در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 در این مجلس که در آن روز در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 حضرت شهاب علیه السلام در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس

گویانده و در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 جریه و کلاب است و در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 یکصد نفر با هم و در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس

یک است صادر از طرفین صلح و ادوار در آن مجلس است که در آن مجلس
 که در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 حضرت شهاب علیه السلام در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 بجز آن آموخته اند از طرفان صلح و ادوار بگویند حضرت شهاب علیه السلام
 بسته و باقیان در آن روز در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 باقیان در آن روز در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 در این مجلس که در آن روز در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس
 حضرت شهاب علیه السلام در آن مجلس ایستادند و در میان آن روز در آن مجلس

سوره باریع الله ص ۷ - منور

گزارش از جرایده های انگلیس درباره بازگشایی مجلس از سوی محمد علی شاه
 سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .

۳

دو نفر و غایب نرسد اگر هر یک از ایشان مدتی برسد به آن در آن وقت
 که اگر هر یک از این دو نفر غایب نرسد به آن در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

۴

اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اینها را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

ص

گزارش میرزا مهدی خان وزیر مختار ایران در لندن .
 سازمان اسناد ملی ، شماره سند ۳۶۰/۸۳۷۰ .